

ستاره بلعیده شده

قسمت: ۳۶

ارائه‌ای از گروه ناولیست.

کانال تلگرامی ما:

@NovelEast



NOVELEAST
ORDER OF REBEL RAVENS

فصل ۱۶ از جلد دوم: تجهیزات گران قیمت

«خوشبختانه قرارداد من به اولین خریدم اجازه می ده تا محدودیت رتبه مشارکت نادیده گرفته بشه.»

لو فنگ احساس کرد قلبش به سریعتر میزنه. کاریش نمیشد کرد؛ این ۱۰۰ میلیون دلار چینی بود! با اون میشد به راحتی همه ی ویلاهای ژانگ هائو بای رو خرید.

علاوه بر این، خانواده لو فنگ همیشه فقیر بودن. می شه تصور کرد که اون چه احساسی داشت وقتیکه ۱۰۰ میلیون دلار رو به یکباره مصرف کرد!

لو فنگ پوزخندی زد: «خوشبختانه این پول من نیست.»

خرید طومار موفقیت آمیز بود. بعد... نوبت خرید سلاح، لباس رزم و بقیه چیزها بود.

«من در کل ۲۰ میلیون پول دارم. باید سعی کنم که تا جایی که می توانم پس انداز کنم.»

لو فنگ لیست اسلحه ها رو باز کرد و به سرعت سری دوم «تیغه روح» رو پیدا کرد.

تیغه روح سری ۲ مدل A1

قیمت: ۱۰۰ هزار دلار چین (قیمت کامل)

۵۰ هزار دلار چین (شرط نیم بها شدن: رتبه مشارکت ۱ ستاره)

تیغه روح سری ۲ مدل A2

قیمت: ۵۰۰ هزار دلار چین (قیمت کامل)

۲۵۰ هزار دلار چین (شرط نیم بها شدن: رتبه مشارکت ۱ ستاره)

سری دوم، مدل A5

قیمت: ۶ میلیون دلار چین (قیمت کامل)

۳ میلیون دلار چین (شرط نیم بها شدن: رتبه مشارکت ۱ ستاره)

لو فنگ با دقت به توضیحات مدل‌ها نگاه کرد. نتونست جلوی اخم‌هایش را بگیره.

-الان قدرت من خیلی سریع بالا می‌ره. و مطمئنم که سطح آمادگی بدنیم خیلی زود به مرزیه مبارز سطح پیشرفته می‌رسه. از اونجایی که دارم یه اسلحه می‌خرم، باید سعی کنم یه سلاح خوب بخرم. اگه یک جنگجوی معمولی سطح متوسط بود...

اون فقط می‌تونست مدل A2 یا A3 رو بخره. تو باید ۱۰ هزار دلار اهدا کنی تا یه امتیاز مشارکت بگیری!

امتیاز مشارکت برای این بود که بین مبارزانی که عضو خود دوجو هستن و مبارزانی که عضو نیستن تفاوت باشه. دوجوی مرزها یه شبکه داخلی و یک فروشگاه اینترنتی به نام خانه مرزها داره، البته اونها یک بازار واقعی مبارزه هم دارن. مبارزان خارج از دوجو هم می‌تونن وسایل مورد نیازشون رو بخرن، اما باید هزینه کامل رو پرداخت کنن.

لو فنگ سرش رو تکون داد.

-با سرعت رشد، باید حداقل یک تیغه روح مدل A5 یا A6 بخرم. اما این مدل‌ها به رتبه یک ستاره نیاز دارن و رتبه یک ستاره ۱۰ هزار امتیاز مشارکت می‌خواد.

اولین خرید اون محدودیت رتبه مشارکت رو نادیده گرفت و تونست طومار رو با بهترین قیمت بخره. با این حال، این اتفاق فقط برای اولین خرید طومارش بود.

برای خرید اسلحه‌ها، لباس جنگی و بقیه وسایل همچنین شرایطی نداشت.

-قیمت کامل تیغه روح A6 ۲۰ میلیون و قیمت کامل مدل A5، ۶ میلیونه.

لو فنگ سرش رو تکون داد. با مدل A5 می تونه با اکثر هیولاهای فرمانده سطح متوسط بدون نگرانی از شکستن سلاح مبارزه کنه و با اسلحه مدل A6 می تونه بدون نگرانی از شکستن سلاح با اکثر هیولاهای فرمانده سطح بالا مبارزه کند.

با سرعت رشد فعلیش، سلاح مدل قبلی قطعاً مناسب نیست.

-اونا رو هم با قیمت کامل بخرم؟ خیلی گرون میشه.

لو فنگ سرش رو تکان داد.

-بزار سپرها رو بررسی کنم.

لو فنگ صفحه وب سپرها رو باز کرد و همونطور که با دقت نگاه کرد، متوجه شد که قیمت سپرها خیلی پایین تر از تیغه هاست. یک مدل B5 که می تونه حمله یه فرمانده سطح متوسط رو مسدود کنه ۳ میلیون دلار چین به قیمت کامل و ۱/۵ میلیون دلار چین با نیم بها بود. با این حال، شرط مشارکتش هم ۱ ستاره است!

«کیف.»

وقتی که تو بیابون میخوای زندگی کنی و با هیولاها مبارزه کنی ، نوع کیفی که حمل می کنی هم خاصه. اول از همه اینکه خود کیف باید کیفیت بالایی داشته باشه و نباید مانع حرکات مبارز هنگام مبارزه با هیولاها بشه.

«ارزون ترین کیف فقط به یه امتیاز مشارکت نیاز داره. یه کیف بهتر فقط ۱۰ هزار دلار.»

لو فنگ لبخند زد.

«یه ساعت ارتباطات تاکتیکی دارای GPS، تلفن، ساعت و خیلی عملکردهای دیگه است. قیمتشم بد نیست، فقط ۱۰ هزار دلار.»

در واقع، این امکانات ارزش پول زیادی ندارن. امروزه تو بازار، تلفن هایی که چند صد دلار قیمت دارند می تونن تماس برقرار کنن، زمان رو نشان بدن و یک سیستم GPS هم دارن. تنها دلیل قیمت ۱۰ هزار دلاری این ساعت اینه که موادی که ازش ساخته شده گرون هستن!

پنجه های هیولا موقع مبارزه ممکنه به ساعت برخورد بکنن! ساعت باید به اندازه کافی محکم باشه تا در برابر حمله هیولا مقاومت کنه، اینجور ساعتی چجوری می تونه ارزون باشه؟

-تا الان تیغه، سپر، ساعت و کیف رو بررسی کردم. حالا فقط یه چیز مونده... لباس رزم از جمله چکمه ها...

لو فنگ قبلاً شنیده بود که لباس رزم گران ترین ابزار مبارزه! زیرا نه تنها دفاعش باید خوب باشه، بلکه باید راحت باشه و جلوی دست و پای مبارز رو نگیره.

لو فنگ صفحه رو باز کرد تا ببینه...

-یا خدا!

-خیلی گرونن!

لو فنگ مات و مبهوت بود،

-با اینکه این یک یونیفرم نبرد سری D5 با بازوبند و چکمه هست و می تونه
یه فرمانده سطح متوسط را منحرف کند، ۱۸ میلیون دلار چین قیمتشه و قیمت
نیم بهاش میشه ۹ میلیون. برای قیمت کامل سری D6 به ۸۰ میلیون دلار
چین نیاز. می دونستم که لباس های مبارزه گران هستن، اما نمی دونستم که
قیمت لباس رزم سری ۵ سه برابر تیغه همون سریه!

-حالا اگه بخوایم حساب کنیم...

اگه همه چیز رو سری ۵ بخریم، کل مجموعه لباس رزم ۱۸ میلیون، تیغه ارواح
۶ میلیون، سپر ۳ میلیون، پس در کل ۲۷ میلیون! اگه رتبه مشارکت یک
ستاره داشتم، فقط به ۱۳/۵ میلیون نیاز داشتم.

قیمت ساعت ارتباطات تاکتیکی و کیف در مقایسه با لباس رزم چیزی نیست!
«من هنوزم می خواهم چندتا چاقوی پرتابی بخرم که بتونم اون ها رو با نیروی
معنوی ام کنترل کنم! من باید حداقل شش یا ده تا ازشون بخرم.» لو فنگ
صفحه چاقوهای پرتاب رو باز کرد. چاقوهای پرتابی فقط یسری وسیله کوچکن
و از نظر اندازه کوچک و کم وزن هستن، بنابراین طبیعتاً باید ارزان تر از تیغه
روح باشن.

قیمت کامل یک چاقوی پرتابی سری ۵ فقط ۵۰ هزار دلار چین است.

قیمت کامل سری ششم ۳۰۰ هزار دلار چین.

قیمت کامل سری هفتم، ۳ میلیون دلار چین و نصف قیمت ۱/۵ میلیون (شرایط: رتبه مشارکت ۲ ستاره)، به افزایش کامل ۱۰ برابری! اگر قدرت کافی داشته باشی، به چاقوی پرتابی سری هفتم می تونه به راحتی به یه هیولای رهبر گروه های گروهی سطح پایین آسیب برساند. تفاوت بین یک فرمانده و یک رهبر گروه، خیلی زیاده، اما کی میتونست حدس بزنی که قیمت سلاح هم انقدر تفاوت زیادی داشته باشه.

نیروی معنوی من قدرتمنده و به سرعت به رشد خودش ادامه میده. میخوام یک چاقوی پرتابی سری هفتم رو بخرم، اما به چاقو ۳ میلیون است و شرط نیم بها شدنش، رتبه مشارکت ۲ ستاره است! اگر من ۵ یا ۶ تا چاقو بخرم، بیشتر از ۱۰ میلیون میشه!

«چطور میتونم همچین پولی رو پرداخت کنم؟»

لو فنگ فکر کرد: «این پول، اصلاً کافی نیست.»

چیزی که لو فنگ نمی دونست، این بود که قیمت ها اصلاً بی معنی نبودند! حتی با یک موشک هدایت شونده هم نمیتوان یه هیولای سطح رهبر گروه رو کشت! می شه حدس زد که کیفیت چاقو چقدر باید باشه تا بتونه اونها رو سوراخ کنه! ۳ میلیون برای یه چاقو معقوله.

.....

زمانی که مبارزان برای خرید تجهیزات خودشون پول خرج می کنند، باید هزینه های زیادی بپردازند. با این حال، در هنگام شکار هیولاها هم پول زیادی به دست می آورند.

متأسفانه، لو فنگ هنوز شروع به کسب درآمد نکرده بود.

حدود ساعت ۱۰ صبح روز دوم.

در بخش مینگ یو، غریبه ای به باغ ویلای لو فنگ اومد.

«آقای لو فنگ، این کتیبه ای است که خریدین. اثر انگشتتون می‌تونه اون رو باز کنه.»

لو فنگ جعبه آلیاژی مهر و موم شده ارسال شده رو پذیرفت و انگشتش رو روی جعبه آلیاژی حرکت داد.م
[بیپ!]

[تست اثر انگشت انجام شد.]

صدای فلزی بلند شد و جعبه آلیاژی باز شد. کتابی با ضخامت حدود یک سانتی متر داخلش بود. دو دیسک هم روی کتاب بودن.
لو فنگ چهار کلمه روی کتاب دید.
«تیغه رعد و برق نه مرحله‌ای.»

پسر تحویل دهنده در حالی که لبخندی زد و گفت: «آقای لو فنگ، لطفاً بازش کنین و بعد از تأیید، امضا کنید.»

اما وقتی به سمت لو فنگ نگاه می‌کرد، کمی تحسین توی چشماش بود.
تیغه تندر نه مرحله‌ای!

یه جنگنده معمولی نمی‌تونست این هزینه رو پردازه.

-آقای. لو فنگ، مطمئن هستم که از مرزهایی که با خریدتون به وجود میان آگاه هستین.

بعد پسر تحویل دهنده لبخند زد و ادامه داد: «طبق قوانین، من اونها رو بهتون میگم.»

... مالکیت طومار متعلق به خالق طومار است، حق کپی رایت تیغه تندر نه مرحله‌ای توسط خدای تندر محفوظ است! افرادی که آن را خریداری کرده‌اند فقط حق یادگیری آن را دارند، اما حق آموزش آن را ندارند. شما مجاز به کپی برداری و فروش آن یا تدریس خصوصی آن نیستید. اگر کسی قانون را زیر پا بگذارد، دوجو مرزها، دوجو تندر، اتحاد زیرزمینی و دولت با هم همکاری خواهند کرد تا آنها را شکار کنند!»

لو فنگ سری تکان داد، البته که این قانون را می دانست.

بعد از تایید، پسر تحویل دهنده رفت.

«فقط این یه طومار و دو دیسک ۱۰۰ میلیون دلار چین ارزش داره.»

لو فنگ با شگفت‌زده تو باغ ایستاده بود: «به نظر می رسه که ساخت یه طومار بیشترین درآمد رو داره. برای مثال، اگه افراد بیشتری تیغه تندر نه مرحله‌ایه خدای تندر رو بخرن، اون درآمد بیشتری کسب می کنه. بعد از کمی محاسبه، فهمیدن اینکه خدای تندر چقدر درآمد داره، کار سختی نیست.»

-با این حال... خدای تندر، تشکیل دهنده دوجوی تندر، پس احتمالاً پول اهمیت چندانی براش نداره.

درست زمانی که لو فنگ می خواست با طومارش وارد خانه بشه...

«لوفنگ!»

لو فنگ سرش رو برگردوند

مربی ارشد دوجو مرزها وو تانگ بود.

«عمو وو!»

لو فنگ خندید.

وو تانگ خندید.

-من همین الان تحویل دهنده رو توی ورودی دیدم، چیزی خریدی؟

لو فنگ سر تکان داد.

-بله.

وو تانگ به چهار کلمه روی طومار در دستان لو فنگ نگاه کرد و شوکه

شد: «تیغه تندر نه مرحله ای؟ تو، تو واقعا تونستی پولش رو بپردازی؟»

طومارها به شدت توسط تمام قدرت های بزرگ روی زمین کنترل می شدن.

لو فنگ خندید و همینطوری گفت: «پولی که خرج کردم به هر حال پول من

نبود. هرچند متوجه شدم که واقعا پول کافی برای خرج کردن ندارم. تیغه‌ها،

لباس‌های رزم و بقیه ی چیزها به پول زیادی نیاز دارن.»

«اوه، لو فنگ، من اومدم تا یه چیزی بهت بگم.»

مربی ارشد وو تانگ خندید و ادامه داد: «مدتی پیش، مرد جوانی به نام ژانگ

هائو بای نبود که دردسری برات درست کنه؟»

لو فنگ مبهوت شد، ژانگ هائو بای؟ لو فنگ هنوز فرصت نکرده بود تا بهش

فک کنه.

لو فنگ سرش رو تکان داد: «بله، اون قبلا یه نفر و اجیر کرده بود تا دست‌ها

و پاهای من رو بشکنه.»

«خب اوضاع اینجوریه که عموی ژانگ هائو بای، ژانگ زه هو، مبارزی از دوجوی تندرِه. اون از مربی ارشد دوجوی تندر در شهر یانگ ژو خواست تا به حل این مشکل کمک کنه. اون می‌خواد که این موضوع رو به‌طور خصوصی باهات حل کنه.» مربی ارشد وو تانگ خندید و ادامه داد: «لو فنگ، پول کم نداری؟ این یه شانس بزرگ برای کسب درآمده، میتونی با این فرصت یه تن پول جمع کنی!»